



## تأملی در مکتب تائوئیسم

پدیدآورنده (ها) : پناهی آراللو، مائده

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: نشریه کتاب ماه فلسفه :: بهمن ۱۳۹۰ - شماره ۵۳

صفحات : از ۷۶ تا ۸۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/882030>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- بررسی و نقد کتاب صوفیسم و تائوئیسم
- نقد ادبی: رمان و فلسفه
- فلسفه: استعلا از تاریخ
- درباره «پوست»
- هنر و حقیقت در نظریه زیباشناختی آدورنو
- بررسی تطبیقی خلقت آدم و حوا از منظر قرآن و عهد عتیق
- عصر تصویر جهان
- جدال بر سر عقل: فوکو در برابر هابرماس؛ بازسازی گفت گوی انتقادی فوکو و هابرماس در باب سطوح و سویه های عقل
- رخداد و سیاست؛ گزیده ای از گفت و گوی دانیل بن سعید با آلن بدیو
- بداهت، سینما، حرکت؛ سینمای کیارستمی به روایت ژان لوک نانسی
- تجلی الهی و تولد روحانی در عرفان اسماعیلیه - بخش سوم و پایانی
- نقد و بررسی مبانی حقوقی و اجتماعی جامعه ایرانی در عصر مآدها

## عناوین مشابه

- تأملی در نقض و ابرام های برجستگان مکتب تهران در مورد بقاء موضوع در حرکت جوهری
- مقایسه نور و تائو در حکمت اشراق و مکتب تائوئیسم
- تامل در برخی از وجوه تشابه و تفاوت موجود میان حکمت اشراق و مکتب تائوئیسم
- ازغلو تا تقصیر؛ تأملی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل
- تأملی روش شناختی در بنیادهای مکتب ایده آلیسم
- واکاوی تطبیقی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی با تأملی در دیدگاه مکتب معنادرمانی و ارائه الگویی از آن
- شریعت یا عرف؟ (تأملی در استمرار مکتب فقهی شیخ انصاری در حوزه سیاست)
- تأملی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل
- تأملی در ویژگی های روش شناختی مکتب فلسفی صدر المتألهین
- تأملی در مبانی هستیشناختی زیبایی شناسی در مکتب عرفانی ابن عربی

## مقدمه

نگارنده در این مجال می‌کوشد تا کلیاتی اجمالی درباره‌ی یکی از مهم‌ترین مکاتب فلسفی چین، یعنی مکتب تائوئیسم بیان نماید. از این رو، پس از بیان مقدمات تأثیرگذار در ایجاد و ادامه‌ی حیات مکتب تائوئیسم، به بررسی سه صورت مختلفی که این مکتب در طول قرون پذیرفته است، به شرح ذیل خواهیم پرداخت.

۱. صورت فلسفی تائوئیسم با یانگ چو و چوانگ تزو

۲. جنبه‌ی سحری تائوئیسم

۳. تائوئیسم به عنوان یک دین.

## ۱. مقدمات مؤثر در افکار فیلسوفان تائویی:

فلسفه، همواره مورد علاقه‌ی هر فرد چینی بوده است. اگر کودکی به مدرسه می‌رفت، نخستین کتاب‌هایی که به وی آموخته می‌شد، عبارت بود از: منتخبات کنفوسیوس<sup>۱</sup>، کتاب منسیوس<sup>۲</sup>، دانش بزرگ<sup>۳</sup> و اصول اعتدال<sup>۴</sup>. این چهار کتاب، مهم‌ترین متون درسی فلسفه‌ی نو-کنفوسیوسی محسوب می‌شدند.<sup>۵</sup> پاره‌ای اوقات نیز به کودکان گفته می‌شد که آن‌ها را با صدای بلند بخوانند. کتاب دیگری به کودکان می‌دادند که نوع خاصی بود. زیرا، هر جمله‌ی آن کتاب از سه حرف تشکیل می‌شد و آن‌ها را طوری تنظیم کرده بودند که وقتی از بر خوانده می‌شد، نوای موزونی به گوش می‌رسید. طوری که کودکان آن‌ها را آسان‌تر به حافظه می‌سپردند. نخستین جمله‌ی آن چنین بود: «سرشت انسان در اصل نیکوست.»<sup>۶</sup>

این جمله، یکی از اساسی‌ترین اندیشه‌های فلسفه‌ی منسیوس<sup>۸</sup> است. بدین ترتیب، کودک از همان ابتدا و به گونه‌ای غیر ارادی به حفظ و آموختن عبارات فلسفی می‌پرداخت و این امر موجب می‌شد تا در آینده فرد فرهیخته‌ای محسوب شود. این شیوه‌ی خاص تدریس - که آن را "روش سه حرف کلاسیک" می‌نامیدند<sup>۹</sup> - در ایجاد علاقه‌ی فیلسوفان به سبک موزون آثار فلسفی و بیان اندیشه‌هایشان در قالب سخنان موجز، کلمات قصار یا کنایه و ذکر مثل تأثیرگذار بوده است. برای مثال کتاب تائوته چینگ از لائوتزو، به شیوه‌ی موزون و مملو از کلمات قصار و ابیات کوتاه است و یا اکثر فصل‌های مقالات چوانگ تزو مشحون است از کنایات و مثل‌ها. مثال دیگر در این باب از نافذترین مکتب نو-تائویی به عنوان هسوان هسوئه<sup>۱۰</sup> (دانش پنهان یا مرموز) است که در خلال سده‌های سوم و چهارم بعد از میلاد وجود داشت و در تاریخ چین نیز شناخته شده بود. در آن زمان کتابی وجود داشت با عنوان شیه - شوئوه‌سین - یو.<sup>۱۱</sup> این کتاب، شامل مطالب و گفتارهای نغزی بود که بیشتر آن‌ها بسیار موجز بوده و فقط از چند کلمه تشکیل می‌شد.<sup>۱۲</sup>

پس، با توجه به این سبقه تاریخی می‌توان نتیجه گفت که آنچه فیلسوف چینی بیان می‌کند، از لحاظ شمار واژگان کم و از نظر محتوی بسیار غنی است.<sup>۱۳</sup>

همچنین، اکثر فیلسوفان کلاسیک چین با تفکر مابعدالطبیعی محض، میانه‌ای نداشتند. زیرا، این نکته که «آیا چیزی را که من

# تأملی در مکتب تائوئیسم

مآده پناهی آراللو

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم



## در کتاب تائو ته چینگ عدم پرداختن به استدلالات صرف و تأکید بر اصول اخلاقی، نمود آشکاری دارد.

به هنر کشاورزی معطوف کرده بود. سرانجام، ایالت چه-این<sup>۱۵</sup> یکی از هفت ایالت مهم آن زمان موفق شد، دیگر ایالت‌ها را به تصرف خود درآورد و برای نخستین بار توانست چین را به یک سرزمین متحد تبدیل کند. نقطه اشتراک همه این ایالت‌ها توجه به کشاورزی بود. به همین دلیل در اندیشه فیلسوف چینی "ریشه" اشاره به کشاورزی و "شاخه" اشاره به بازرگانی دارد. زیرا، کشاورزی به تولید مربوط است و بازرگانی با داد و ستد ارتباط دارد. بنابراین، در سراسر تاریخ چین همواره سعی بر این بوده که بر ریشه تأکید شود و شاخه را ناچیز بشمارند. پس، مردمی که با شاخه سروکار دارند، یعنی بازرگانان بی اهمیت انگاشته شدند. آنان پایین‌ترین طبقه از طبقات چهارگانه سنتی جامعه محسوب می-شدند. سه طبقه دیگر عبارت بود از: دانشمندان (فیلسوفان) و کشاورزان و صنعت‌گران. دانشمندان، اغلب ملاک بودند و کشاورزان، روستائیان بودند که در زمین‌ها کشت و کار می‌کردند و صنعت‌گران، اغلب اشخاصی بودند که ابزار و وسائل مورد نیاز برای کشاورزی را می‌ساختند. هرچند فیلسوفان، خود بر روی زمین به کشت و کار نمی‌پرداختند، اما چون زمین‌دار بودند، داراییشان به کشاورزی وابسته بود. برداشت خوب یا بد از محصول به معنی درآمد بد یا خوب بوده و در نتیجه، واکنش آنها نسبت به جهان و نگاهشان به زندگی دیدگاه یک کشاورز بود. شایان ذکر است، نظام خانوادگی سخت و پیچیده چین هم از همین جا سرچشمه گرفته است. کشاورزان باید در زمین‌هایشان زندگی کنند و چنین زیست و گذرانی در مورد زمین‌داران دانشمند نیز صادق است. مگر آن که فردی استعداد خاصی داشته باشد یا بخت یارش باشد تا بتواند از چنین نحوه زیستی رهایی یابد و وگرنه مجبور است در جایی زندگی کند که پدر و پدربزرگش زیسته‌اند و فرزندانش نیز باید در همان جا به زندگی ادامه دهند. پس افراد خانواده مجبورند در کنار هم به سر ببرند و بدین ترتیب، نظام خانوادگی چینی پدید می‌آید.

پس، اولین فیلسوفان چینی، کشاورز بودند. به همین دلیل است که در آثار فلسفی چین از طبیعت و عناصر موجود در آن استفاده بسیاری شده است. برای مثال، سراسر کتاب تائو ته چینگ مملو از پدیده‌های طبیعی است و یکی از اندیشه‌های غالب در آن توجه به طبیعت است.

با این مقدمات توجه خود را به سه صورت مختلفی که تائوئیسم از ابتدا تا کنون پشت سر گذاشته است، معطوف می‌سازیم:

دربار خود می‌بینم واقعی است یا خیالی»، هرگز به طور جدی توجه فیلسوفان چینی را برنمی‌انگیخت. چون مسائل مربوط به نظریه شناسایی تنها زمانی پدیدار می‌شود که مرز مشخصی بین سوژه و ابژه تعیین گردد و در فلسفه چینی، تعیین چنین مرزی کار دشواری است. از این رو، مکاتب چینی به ویژه مکتب تائوئیسم، تلاش می‌کنند که به تحلیل متافیزیکی واقعیت بپردازند، اما در نهایت گونه‌ای عرفان رمزآلود با آن همراه می‌شود و آنها را از رسیدن به نتیجه صرف بازمی‌دارد.

تفکر فلسفی چین از استدلالات صرف منطقی هم بی‌بهره است. مباحث فلسفی چین، اغلب نامنظم، غیر مدون و به ندرت متکی بر برهان‌های منطقی است. در این بین، علاقه فیلسوفان چینی به مسائل اخلاقی بسیار قابل توجه است. بعدها همین شیفتگی در میان مردم نیز نفوذ پیدا کرد و موجبات بسط و گسترش بیشتر آیین‌هایی مانند کنفوسیوس- که بر اصول اخلاقی تأکید می‌کردند - را فراهم آورد. به همین دلیل، در کتاب تائو ته چینگ عدم پرداختن به استدلالات صرف و تأکید بر اصول اخلاقی، نمود آشکاری دارد.

همچنین، نظریه سنتی و رسمی تاریخ نزد چینیان نظریه‌ای واپس‌نگرانه است. آنها معتقدند عصر طلایی بشریت در گذشته‌ای دور و مه‌آلود بوده است و تاریخ از آن پس چیزی جز فساد و تلاشی دردناک نیست. به همین دلیل، فرزندان چینی به دنبال راهی برآمدن تا بشریت را به صلح و هماهنگی آن عصر طلایی بازگردانند. پس، بر اساس باور آنها، برای این که مکتبی اعتبار بیشتری داشته باشد، باید قدمتش بیشتر باشد. از این رو، هنوز هم میان پیروان مکاتب به خصوص طرفداران کنفوسیوس با پیروان مکتب تائوئیسم، رقابتی سخت حاکم است و هر یک تلاش می‌کنند که قدمت خود را بیشتر از دیگری نشان دهند.

شرایط جغرافیایی و اقتصادی هم در مسیر تفکر فیلسوف چینی به ویژه فیلسوفان تائوئیست تأثیرگذار بوده است. مردم چین مجبور بودند معاش خود را از راه کشاورزی تأمین کنند. در یک کشور بری، زمین اساس اولیه ثروت است. بنابراین در سراسر تاریخ چین اندیشه اجتماعی و اقتصادی و خط مشی سیاسی در حول و حوش بهره‌برداری و تقسیم زمین متمرکز بوده است. پس، کشاورزی هم در هنگام صلح و هم در هنگام جنگ، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. به ویژه، در دوران جنگ ایالت‌ها<sup>۱۶</sup> (۴۸۰-۲۲۲ قبل از میلاد). در آن دوران، کشور چین به ایالت‌های فئودالی بسیاری تقسیم شده بود و هر ایالتی تمام توجهش را



## ۲. صورت فلسفی تائوئیسم

تفکر فلسفی چین که از دوران باستان در اذهان متفکران چینی تراوش کرد، در جامعه چینی چنان ریشه دوانید که «امپراتور چین، همکار انسانی آسمان بلندپایه و ارجمندی است که به زبان چینی «هوانگ تی ین» است و خدای چین محسوب می‌شود.» از این رو است که به چین لقب «کشور آسمانی» داده‌اند. لائوتزو، کلید سپهر (آسمان) را «تائو» به معنی جاده و راه راست می‌داند. وی معتقد است که پیروی کردن از قانون تائو نتیجه‌اش رسیدن به خردمندی است که انسان را به اوج آسمان‌ها می‌رساند. او فلسفه «تائو» (طریقت) را پایه‌گذاری می‌کند و به پیروان خود توصیه می‌نماید که هرگز با طبیعت و هم جنسان خود ستیزه مکن. هنری توماس در کتاب بزرگان فلسفه درباره او می‌گوید:



لائوتزو، مانند روسو فیلسوف فرانسوی عصر روشنگری کتاب طبیعت را یگانه راهنمای زندگی معرفی می‌کند و بر این باور است که دانش فضیلت نیست. زیرا، بعضی از شریرترین افراد جهان مردم تحصیلکرده و دانشمند بوده‌اند. او کمی پیش از کنفوسیوس زندگی می‌کرد و عقیده داشت که «تائوئیسم» یک مشرب صوفیانه است و عاقبت آن طی طریق کردن به آسمان‌هاست.

### ۲-۱. یانگ‌چو

مقدمات ورود مکتب تائوئیسم به صورت فلسفی را باید مدیون یانگ چو دانست. در منابع تاریخی آمده است: «زمانی که کنفوسیوس از ایالتی به ایالت دیگر سفر می‌کرد، مردانی را دید که آنها را "یین چه" (کسانی که خود را پنهان می‌کنند) نامید و آنان را با عنوان اشخاصی که از جهان گریخته‌اند، توصیف کرد.

از طرف دیگر، این زاهدان کنفوسیوس را به خاطر آنچه او برای نجات جهان انجام می‌داد، مسخره می‌کردند. در حقیقت، این زاهدان، همان تائوئیست‌های نخستین و آرزومند حفظ پاکدامنی شخصی خویش بودند. آنها گوشه‌گیران معمولی نبودند، بلکه مردمانی بودند که با گوشه‌نشینی کوشیدند یک نظام فلسفی هم تدوین کنند.<sup>۱۶</sup> چنین به نظر می‌رسد که در میان آنان یانگ چو از نخستین فیلسوفان تائویی برجسته بوده است.

شرح زندگانی یانگ چو مشخص و روشن نیست. اما، می‌توان گفت، او مابین دوران موتزو (۴۷۹-۳۸۱ قبل از میلاد) و منسیوس (۳۷۱-۲۸۹ قبل از میلاد) در امیر نشین جائو<sup>۱۷</sup> (استان کنونی شنسی) می‌زیسته است و مال کافی داشت که اوقاتش را به فراغت بگذراند.<sup>۱۸</sup> یانگ چو از خانواده محترمی برخاسته بود که اصلش به دربار پادشاهی جو می‌رسید. نیای مستقیمش پسر کوچک سیوان شاه (۸۲۷-۷۸۱ ق م) امیر یانگ بود و دیری نپایید که این امیر نشین جذب "زین" شد.

«تعالیم یانگ چو که در واقع برداشت غلطی از آموزه وو-وی (بی کنشی) است، چنین می‌باشد: سرنوشت هر چه را که در جهان رخ می‌دهد، از پیش تعیین می‌کند. زندگی و مرگ، ثروتمند یا فقیر بودن و ..... را سرنوشت مقدر کرده است و هیچ اراده آزادی نقشی در آن ندارد. این تقدیر، بهانه خوبی برای خوش‌گذرانی در جهان است و باید با سرنوشت خود هماهنگ شویم تا از زندگی لذت بیشتری ببریم.»<sup>۱۹</sup> گرایش یانگ چو در این سخن به خوبی آشکار است. وی وقتی با راز مرگ روبرو شد، گفت: «چون زندگی هست، بگذار بگذرد و راه طبیعی خود را دنبال کند. پس، جویای خشنودی کام باش و چشم به راه آمدن مرگ. چون مرگ نزدیک شود، بگذار بگذرد و راه طبیعی خود را برو. سپس، سر به خوشی بسپار و خوش باش... چه جای این اندیشه است که فلان چیز زود است یا دیر؟»<sup>۲۰</sup> فرد آرمانی یانگ چو، فرزانه نیست، بلکه، فردی است خوش‌گذران که از هیچ مرجع و قانون و قدرت رسمی پیروی نمی‌کند. متأسفانه، بیشتر اندیشه‌های یانگ چو در هیچ جا به طور مستقل تشریح نشده است و آنها را باید از میان مقالات پراکنده سایر نویسندگان استخراج کرد.

پس از یانگ چو، تائوئیسم با لائوتزو و نگارش رساله تائو ته چینگ توسط وی به طور جدی صورت فلسفی را آغاز کرد. اما، بعد از لائوتزو شاگرد وی چوانگ تزو، صورت فلسفی تائوئیسم را به اوج رسانید.<sup>۲۱</sup>

### ۲-۲. چوانگ تزو

چوانگ تزو، نماینده مشهور دیگری از فلسفه تائویی است. «نام او چوانگ چو<sup>۲۲</sup> است و به چوانگ تزو شهرت دارد. او، اهل ایالت کوچک منگ<sup>۲۳</sup> در مرز بین استان‌های شانتونگ و هونان فعلی در ایالت باستانی سونگ است. وی، معاصر منسیوس و دوست هوی شیه بوده که در اواسط قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیسته است. همچنین، زمانی از مقامات چئو -یوان در منگ بود. تمام دانش ما در باب شخص چوانگ تزو برگرفته از باب



اکثر فیلسوفان  
کلاسیک چین  
با تفکر  
مابعدالطبیعی  
محض، میانه‌ای  
نداشتند. زیرا،  
این نکته که  
«آیا چیزی را که  
من در برابر خود  
می‌بینم واقعی  
است یا خیالی»،  
هرگز به طور  
جدی توجه  
فیلسوفان چینی  
را بر نیانگیخت.

دسته اول، فصول درونی و مشتمل بر هفت فصل است. دسته دوم، فصول بیرونی و مشتمل بر پانزده فصل است. دسته سوم با عنوان فصول متفرقه و یازده فصل می‌باشد. با چشم پوشی از مسئله اضافات و ملحقات احتمالی، می‌توانیم بگوییم که فصول درونی نماینده تفکر و اندیشه‌های خود چوانگ تزو بوده و حاصل قلم خود اوست. این فصول، به سبب کیفیت بالای نوشتار، سبک شوخ و تفکر ظریف و دقیقی که در لابلای کلمات می‌درخشد، می‌تواند معتبر و موثق باشد و بر این اساس بسیاری معتقدند که فصول درونی کتاب تألیف یک نابغه است.<sup>۲۰</sup> اما در ارتباط با دو دسته دیگر باید گفت: «عالمان در عصر حاضر برآنند که این فصول اغلب محصول تفاسیر و توضیحاتی است که به مرور زمان توسط پیروان چوانگ تزو به متن اصلی افزوده شده است. فصول درونی، چه حاصل خامه خود چوانگ تزو باشند یا نباشند، قطعی است که نماینده قدیمی‌ترین لایه کتاب بوده و چه از لحاظ فلسفی و چه از لحاظ ادبی، ضروری‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که فصول بیرونی و متفرقه از اهمیت ثانوی برخوردارند.»<sup>۲۱</sup> «برخی معتقدند این کتاب مجموعه‌ای است از نوشته‌های تائوئیستی گوناگون که پاره‌ای از آنها آیین تائو را در نخستین مرحله و پاره‌ای دیگر در دومین مرحله و برخی در سومین مرحله، معرفی می‌کند.»<sup>۲۲</sup> با این وجود، به نظر می‌رسد که از لحاظ ساختاری، رشته‌ای ظریف، فصل‌های کتاب را به هم پیوند داده و آن تفکری کاملاً دائوئی است که حاکم بر کل کتاب است.<sup>۲۳</sup> همچنین، این نکته را نباید از خاطر برد که هر گونه نگرش به این کتاب بدون در نظر گرفتن مقتضیات تاریخی و تأثیرات آن بر شکل‌گیری کتاب، تلاشی بیهوده است. زیرا، مقالات چوانگ تزو، نه تنها واکنشی است در برابر جنگی فاجعه‌آمیز و مصیبت‌بار و

هر گونه تغییرات اجتماعی، بلکه چالشی است اساسی و نقادانه در باب مسیر اصلی اجتماع از سوی شخصی که بر سنت‌های تاریخی تأکید می‌ورزد و خواهان بازگشت به فضیلت‌های فراموش شده است.<sup>۲۴</sup>

از طرف دیگر، در تاریخ فلسفه چین آمده که چوانگ تزو در مورد مشکل اصلی "تائوگرایان نخستین" به راه حل نهایی رسید. این مشکل عبارت است از این که چگونه می‌توان حیات را حفظ کرد و از صدمه و آسیب اجتناب ورزید. در کتاب چوانگ تزو آمده: کائنات وحدتی از همه چیزهاست. چنان چه ما به این وحدت دست یابیم و خود را با آن یکی سازیم، در آن صورت

۶۳ کتاب سومچی ین تاریخ‌نگار باستانی چین است. چوانگ تزو هم مانند استادش لائوتزو چون اندیشه‌ای طبیعت‌پرست داشت، نتوانست با زندگی سیاسی بسازد. در نتیجه، نفرتش از زندگی بیشتر شد و گوشه‌ای را برگزید و دامن از کارهای این جهان فرو چید.<sup>۲۵</sup> نقل است چوانگ زه در رود پو ماهی می‌گرفت که دو پیک از جانب امیر چو آمدند و صدر اعظمی امیر نشین را به او پیشنهاد کردند. چوانگ زه آن را رد کرد و گفت: بیشتر دوست دارم سنگ‌پشت زنده‌ای باشم که در گل دم می‌جنباند تا مرده‌ای در تابوتی که در معبد نیاکان امیر پرستیده می‌شود.<sup>۲۶</sup>



«گرچه اطلاعات چوانگ زه بسیار گسترده بود، لیکن آموزه او در ذات بر اساس تعلیم لائوتزو قرار دارد و نوشتار او که مشتمل بر بیش از صد هزار کلمه است، بیشتر نمادین و تمثیلی است. چرا که سونگ قلمروی بود که در آن جا به نوادگان مردم "یین"، پس از آن که مقهور مردم چئو شده بودند، اجازه اقامت داده شده بود. مردم یین، به طور سنتی به دلیل اعتقادات غریبشان در خصوص ارواح و خدای بالادست شهرت داشته‌اند. از قدیم تفاوت میان یین و چئو را با این سخن نشان می‌دادند که: یین ارواح را می‌پرستند، در حالی که چئو بالاترین ارزش را برای فرهنگ انسانی قائل است. از طرفی سرزمین سونگ به تنهایی سرشار از اندیشه‌های منطقی بود.»<sup>۲۷</sup>

فونگ یولان بدون در نظر گرفتن ارتباط تاریخی میان سلسله یین و مردم سونگ، در کتاب خود تحت عنوان تاریخ فلسفه چین اشاره می‌کند که اندیشه چوانگ تزو نزدیک به اندیشه مردم چئوست. او می‌نویسد: «ما باید این امر را در نظر داشته باشیم که ایالت سونگ هم مرز با چئوست و این یعنی چوانگ تزو از یک طرف تحت تأثیر چئو بود و در همان حال از اندیشه‌های استادان منطق هم متأثر بوده است.»<sup>۲۸</sup>

کتاب مشهور چوانگ تزو مقالات نام دارد که کوئوهسیانگ<sup>۲۹</sup> در قرن سوم میلادی آن را گردآوری کرده است. این کتاب، در اصل مشتمل بر پنجاه و دو فصل است. لیکن، متن کتابی که اینک در اختیار ماست، شامل سی و سه فصل است. این حاصل کار تصحیحی است که توسط کوشیانگ به عمل آمد. در حقیقت، همه چاپ‌های بعدی چوانگ تزو به همین چاپ کوشیانگ باز می‌گردد. این متفکر برجسته مکتب تائوئی، ناقدانه به بررسی متن سنتی پرداخت. وی پاره‌ای از مقاطع را که به گمان او جعلی و بی‌ارزش بود، کنار نهاد و آنچه را که باقی ماند، به سه دسته اصلی تقسیم کرد:



چون مسائل مربوط به نظریه شناسایی تنها زمانی پدیدار می شود که مرز مشخصی بین سوژه و ابژه تعیین گردد و در فلسفه چینی، تعیین چنین مرزی کار دشواری است. از این رو، مکاتب چینی به ویژه مکتب تائوئیسم، تلاش می کنند که به تحلیل متافیزیکی واقعیت بپردازند، اما در نهایت گونه ای عرفان رمز آلود با آن همراه می شود و آنها را از رسیدن به نتیجه صرف بازمی دارد.

اعضای پیکر ما چیزی جز مشتی گرد و خاک نخواهد بود. در حالی که زندگی و مرگ یا آغاز و پایان، هیچ یک نخواهند توانست آرامش درون ما را بر هم ریزند. همین طور، وی قائل است: فلسفه نمی تواند کمک کند که شخص عمر دراز به دست آورد یا از مرگ سرپیچی کند، اما می تواند به شخص دیدگاهی دهد که دریابد زندگی چیزی بیش از مرگ نیست یا زیان برابر است با سود.<sup>۳۵</sup> وی همچنین، معتقد است که هیچ یک از مظاهر تمدن (چو) به درد آدمی نمی خورد، بلکه انسان را از صفای طبیعی منحرف می کند. برای مثال، مؤسسات اجتماعی به جای نفع ضرر می بخشند و دزدها و راهزنان محصول پیدایش همین سازمان ها هستند. وی قائل بود که هنرمندان و صاحبان صنایع باید در مسیر خود از طبیعت الهام گیرند.<sup>۳۶</sup>

به طور کلی، چوانگ تزو از استادش لائوتزو، پیروی می کرد. لائوتزو استدلال می کرد که هر چه انسان بیشتر حکومت کند، کمتر موفق می شود. چوانگ تزو هم در ادامه این سخن گفت که باید مردم را به حال خود رها کرد.<sup>۳۷</sup> نزد چوانگ تزو نتیجه نهایی و آرمان زندگی حالتی است که در انسان نشانی از خواست نیست. در آن انسان به کودکی می ماند که تنها از طبیعت پیروی می کند. می رود، خود بی آن که بداند به کجا می رود و می ایستد، بی آن که بداند چرا می ایستد... از چیزی آگاه نیست، بلکه خود را با شرایط طبیعی هستی هماهنگ می کند. این زندگی آرمانی را چوانگ تزو گشت و گذار شاد می نامد.<sup>۳۸</sup>

همچنین، چوانگ تزو می گوید: «تمدن ساختاری تصنعی است که کارش تنها منع انسان است و او را از زندگی هماهنگ با غرایز طبیعی باز می دارد. وی بر آن بود که جامعه آرمانی همان جامعه ابتدایی است که بر اساس برابری طبیعی و کلیت فطری انسان بنا شده است. هم چنان که انسان با از دست دادن حالت طبیعی و کودک وار خود ناشد می شود، جامعه هم آن گاه به سرگردانی دچار شد که انسان را در آیین ها موانع اخلاقی و تعهدات اجتماعی به زنجیر کشید.»<sup>۳۹</sup> از این رو، اولین کار یک فرمانروا آن است که تمام عوامل موجب بی نظمی اجتماعی و آشفته گی سیاسی را از میان بردارد.

این سخن چوانگ تزو، در اصل برگرفته از تعالیم استاد پیر، لائوتزو می باشد. به دلیل وجود همین فرازهای مشترک در سخنان این دو فیلسوف تائویی، مسئله ارتباط میان لائوتزو و چوانگ تزو به گونه ای مطوّل از سوی زبان شناسان مورد بحث قرار گرفته است. در ابتدا، از آن حیث که آموزه های چوانگ تزو به طور سنتی مبتنی بر تعالیم لائوتزو بوده، پس، در فلسفه تائویی، لائوتزو مقدم بر چوانگ تزو دانسته شده است. به گونه ای که خطوط اصلی تفکر را لائوتزو ترسیم کرده و چوانگ تزو پس از آن که این خطوط را پذیرفته، آنها را به روش خود نظام مند کرده است. این نظر، نتیجه طبیعی ملاحظه این سه امر است:

۱. وجود ارتباطی غیر قابل انکار میان این دو در ساختار جهان بینی و روش عرفانی تفکرشان.

۲. چوانگ تزو بارها از لائوتزو به عنوان یکی از حکیمان تائویی متقدم یاد کرده است.

۳. تعبیری که مورد استفاده این دو قرار گرفته، در برخی اوقات تقریباً یکی است.

بر این اساس، چوانگ تزو و لائوتزو سه نشان مشترک دارند:

نخست آن که در فلسفه آن دو، سرشت انسان نیک است و قاعده اصلی، خود را به تائو سپردن، می باشد. پس، هر دو با قراردادهای اجتماعی وضع شده توسط افراد مخالفت می کنند و قائلند که برای رسیدن به تائو باید خود را به سیر عادی طبیعت سپرد. بدین ترتیب، تعالیم هر دو مبتنی بر از میان بردن قوانین اجتماعی و رسیدن به شیوه بی حکومتی به منظور برگشت به حالت بدویت و طبیعی بودن است.

دوم آن که، آن دو در فلسفه شان یک حقیقت آغازین (یعنی تائو) را می پذیرند و برآنند که این حقیقت از طریق روش های عقلی دریافتنی نیست و برای دریافت آن روشن شدگی درونی لازم است.

سوم آن که، هر دو با تکیه بر این نکته که فرد باید خود را به تائو بسپارد و با آن هماهنگ شود به نوعی عرفان دست می یابند.<sup>۴۰</sup>

البته در این میان، از فیلسوف تائویی دیگری به نام شن تائو می توان یاد کرد. اما، تأثیر وی بر فرهنگ و فلسفه چین، به اندازه لائوتزو و چوانگ تزو نبوده است. در روایات چینی آمده که شن تائو کسب دانش را ترک کرد و خود را به دست تقدیر سپرد. زیرا، معتقد بود که سرنوشت نوشته شده برای هر کسی، به طور حتم اتفاق خواهد افتاد. پس، با این طرز تفکر، نسبت به چیزهای اطرافش بی اعتنایی می کرد و تغییرات پیرامونش او را دچار آشفته گی و پریشانی نمی کرد.

سخن مشهور شن تائو که همگان با شنیدن نام شن تائو به یاد آن می افتند، چنین است: «دانش غیر از معرفت است.» در توضیح این سخن باید گفت که مراد شن تائو همان است که فرد با عقل یا حس خود درباره چیزها بدان دست می یابد و خوشحال می شود که چیزی بر وی افزوده شده است. اما، مراد از معرفت همان رسیدن به روشنایی و دریافت حقیقت چیزها از طریق کشف و شهود است، در این وضعیت انسان چیزی را به دست نمی آورد. بلکه، چشم او بر حقایق پوشیده شده، گشوده خواهد شد. بدینسان، شن تائو دانش را سطحی و غیر قابل اعتنا می دانست. اما، برای معرفت ارج و اهمیت بسیاری قائل بود. همچنین، وی جهانی آرمانی را که عقلای بزرگ به تصویر می کشیدند، نفی می کرد و برای نابودی آن تلاش می نمود. او برای دست یابی به "بی عملی" و رسیدن به آرامش و بی تفاوتی خاص فیلسوفان تائویی، به هرجایی که راهنمایی شد روانه گشت و در طی این مسیر هرگز کسی را نیاززد. زیرا، اعتقاد راسخ وی بر این بود: «بگذار تا چون آفرینندگان بی دانش باشیم. همین کافی است... زیرا به خاطر یک کلوخ یا تکه ای

زمین، نباید از راه تائو غافل شد.

در این گفتار، کلوخ یا زمین، نمادی از "یین" یا جنس مؤنث در فلسفه چین است که جنبه فرعی داشته و به طور کلی فلاسفه چینی برای آن اهمیت زیادی قائل نمی‌باشند. شن تائو نیز، زمین را نمادی از عناصر بی ارزش دانسته و تأکید می‌کند که راه تائو، راه اصلی است و نباید اجازه داد که فرعیات موجب غفلت فرد از راه اصلی شود.

در نهایت، پس از اوج‌گیری تائوئیسم به عنوان یک نظام

فلسفی در زمان لائوتزو و چوانگ تزو، به دلیل سوء برداشت‌های شخصی از برخی سخنان چوانگ تزو درباره درجه‌ای که استاد تائویی می‌تواند بدان نایل شود، کم کم تائوئیسم در وادی سحر و جادو افتاد و یک سلسله افکار و اعمال جادوگری در آن به ظهور رسید که به تدریج زمینه زوال آن را فراهم کرد.

### ۳. جنبه سحری تائوئیسم چینیان از

دیرباز به طلب زندگانی دراز و سعی در طول عمر و جلوگیری از فساد جسم و زوال بدن توجه خاصی داشتند و طلب عمر جاوید و حیات ابدی آرزوی همیشگی آنها بوده است. از طرفی، چوانگ تزو در فلسفه خود گفته بود که هرکس به کنه تائو واصل گردد، به حیات ابدی نایل می‌شود و هیچ درنده و گزنده‌ای به او زیان نمی‌رساند. بعد از وی، از این جمله، برداشت‌های گوناگونی صورت گرفت و ذهن همگان درگیر انجام اعمال آمیخته با سحر و جادو شد.<sup>۴۱</sup>

از قرن اول میلادی به بعد، اعمال ساحری و جادوگری در تائوئیسم رواج یافت و از آن تاریخ به بعد روایات بی‌شماری درباره انواع سحر و جادو نقل شد. به طوری که گویند وقتی فوشی خاقان چین بود به تائو واصل شد و از این رو، عمر جاوید یافت و سوار بر ابرها شد و به آسمان صعود کرد. فرشته غربی یا ملکه مادر نیز به راه او رفت. لیه تزو که بر بادها سوار می‌شد و در سوز و سرما می‌خفت و قید زمان و مکان

نداشت.<sup>۴۲</sup> روایت دیگری وجود دارد که در قرن دوم قبل از میلاد خاقانی به نام ووتی از سلاله هن با آن که از مبادی کنفسیوس حمایت می‌کرد، تمایلی هم به تائوئیسم داشت. روزی فالگیری به نام لی-شائو-چین خاقان را تشویق کرد که در کنار کوره کیمیاگری رفته و ظرفی از طلا برای خود بسازد و در آن بخورد و بپاشد تا آن که عمر جاوید یابد. وی چنان کرد و عمر جاوید یافت.<sup>۴۳</sup>

همچنین، در آن زمان شخصی به نام چانگ-تائو-لینگ از مشرق چین مهاجرت کرده و به چین غربی رفت و در آن ولایت انجمنی سری تشکیل داد که افراد آن علاوه بر عمل

مراقبه و تفکر تائوئیستی به کیمیاگری هم اشتغال داشتند. گویا آنها افکاری چند از زردشتیان (مغان) ایران که به مغرب چین سرایت کرده بود را اقتباس می‌کردند. از آن جا که هرکس در این انجمن وارد می‌شد، می‌بایست پنج پیمانه برنج به مرشد می‌داد، این فرقه را طریقه "پنج پیمانه برنج" نامیدند. کم کم مردم چانگ-تائو-لینگ را ستایش کردند و به او لقب "معلم آسمانی" دادند و گفتند که لائوتزو در عالم ارواح بر او ظاهر شده و او را تعلیم داده است.<sup>۴۴</sup>

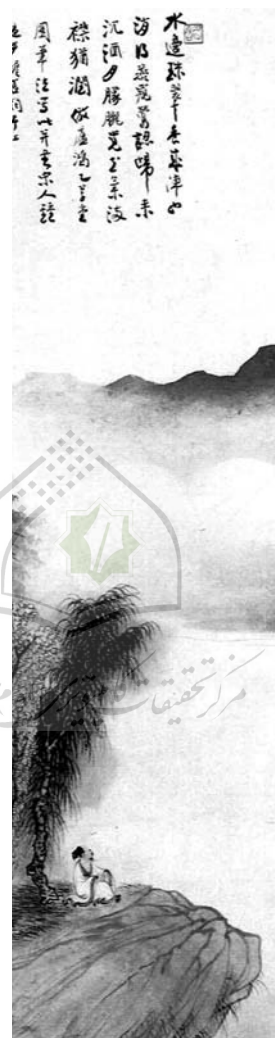
همچنین، در اثر نفوذ سحر و جادویی که راهبان و روحانیان تائوئیست بنیاد نهادند، در میان مردم عادی چین قدرت و مقامی رفیع به دست آوردند که تا امروز همچنان باقی است. در میان آنها فالگیرها و شعبده‌بازهای معروفی به ظهور رسیدند و رفته رفته در میان عوام چهره روحانیت مذهبی گرفتند و زمینه ساز این شد که تائوئیسم به صورت یک دین رسمی درآید.

### ۴. تائوئیسم به عنوان یک دین<sup>۴۵</sup>

از دیرباز چینی‌ها چندان شوقی به دین نداشتند. به طوری که هر دستگاه بزرگ اندیشه چینی در آغاز همچون یک فلسفه تربیت نفس می‌شکفت و تنها از سر اتفاق است که شکل آیین دینی به خود می‌گیرد.<sup>۴۶</sup> در مورد تائوئیسم، باید این نکته را متذکر شد که بین مکتب تائو به عنوان یک فلسفه که آن را "تائو چیا" نامیدند و دین تائو که آن را "تائو چیاو" می‌نامند، تفاوتی وجود دارد.

مکتب تائو به عنوان فلسفه، اصول پیروی از طبیعت و تائو را آموزش می‌دهد، در حالی که دین تائو اصول عمل کردن علیه طبیعت را می‌آموزد. به عنوان مثال، بنابر عقیده لائوتزو و چوانگ تزو، مرگ، نتیجه زندگی و روند طبیعت است و انسان این روند را باید با تسلیم و رضا طی کند. ولی آموزش اصلی دین تائو عبارت است از اصول و فن چگونگی دوری جستن از مرگ که این عمل کردن علیه طبیعت در سیر عادی خویش است.<sup>۴۷</sup>

تائو چیاو یا تائوئیسم به عنوان یک دین، از سال ۱۶۵ میلادی با هوان خاقانی از سلسله هان آغاز شد که برای نخستین بار به طور رسمی اقدام به تقدیم هدایایی به لائوتزو نمود و معبدی به نام او بنا کرد. تا آن که در قرن هفتم لی-شی-مین بنیان ژگذار سلسله تانگ نیز به این آیین ایمان آورد. در آن زمان نه تائوئیسم و نه آیین کنفسیوس، توده مردم عامی را خرسند نمی‌ساختند. زیرا، آیین کنفسیوس بیشتر به تنظیم رفتار و کردار بشری توجه می‌کرد و از این رو، مورد عنایت ادبا



### اولین

فلسوفان چینی،  
کشاورز بودند.

به همین دلیل

است که در

آثار فلسفی چین

از طبیعت و

عناصر موجود

در آن استفاده

بسیاری شده

است. برای مثال،

سراسر کتاب

تائو ته چینگ

مملو از پدیده‌های

طبیعی است و

یکی از اندیشه‌های

غالب در آن توجه

به طبیعت

است.



## از قرن اول میلادی به بعد، اعمال ساحری و جادوگری در تائوئیسم رواج یافت و از آن تاریخ به بعد روایات بی‌شماری درباره انواع سحر و جادو نقل شد.

و فضلا و مقامات رسمی و اداری قرار گرفته بود. تائوئیسم هم از سوی دو گروه روشنفکران و طالبان علوم غیبی و رموز مورد قبول واقع شده بود. در این بین وضعیت مه‌ایانا بودیسم (یکی از دو فرق معروف بودیسم) بهتر از آن دو آیین بود. زیرا، راهبان نیکوکار خود را از مردم دور نمی‌ساختند و در زندگی روزانه به آنها کمک می‌کردند. از این رو، مه‌ایانا بودیسم سراسر چین را فرا گرفته و به کره نیز انتشار یافته بود.<sup>۴۸</sup>

کم‌کم تائوئیست‌ها برای جلوگیری از رواج بیشتر بودیسم و رقابت با آنها، در اساطیر خود به دنبال شخصی برآمدند که وی را هم طراز بودا بدانند، پس آن را در وجود لائوتزو یافتند و به او لقب "خاقان عالم اسرار" بخشیدند و در کنار او به تقلید از بودا یک رشته تمائیل خدایان دیگر هم قرار دادند و نوشته‌های او را صحف مُرسَل دانسته و به نامش معابد رفیع بر پا کردند. پس به سبک دیرهای بوداییان در آن معابد گرد هم آمدند و بالاخره در نتیجه یک عمل تصنعی و آمیخته با نیرنگ که از وقایع حیرت آور تاریخ ادیان است به تائوئیسم رنگ دینی بخشیدند.<sup>۴۹</sup>

شرح آن واقعه از این قرار است که یکی از خاقان‌های چین به نام چن - تسونگ تدبیری اندیشید که در نتیجه آن تائوئیسم را به صورت یک دین رسمی در آمد. خاقان مذکور در برابر حمله مهاجمان صحرانشین و قبایل آسیای مرکزی مقاومت نکرده و پس از شکستی سنگین صلحی ننگین را منعقد ساخت و قسمت عمده‌ای از شمال چین را به دشمن واگذار کرد. در نتیجه، شأن و اعتبار خود را در بین مردم از دست داد. وی برای این که اعتبار از دست رفته خود را دوباره به دست آورد، به فالگیران و غیب‌گویان متوسل شد. وزیر حيله‌گر او به خاقان گفت که برای جلب توجه مردم عادی مدعی معجزه شود. اما، خاقان نپذیرفت. بالاخره، به اصرار اطرافیان در سال ۱۰۰۸ میلادی مجلسی به پا شد. در آن مجلس، به درباریان و مردم عامی گفتند که در رویایی به خاقان الهام شده که طوماری زرد فام به یکی از ستون‌های شهر آویزان است و ما باید آن طومار را پایین آورده و بخوانیم. پس، همگان به آن مکان مرتفع رفته و طومار را پایین آوردند.

طومار مذکور نامه‌ای بود به سبک و اسلوب لائوتزو که خطاب به خاقان نوشته شده بود. مفاد آن نامه مجعول را به وسیله مأموران و گماشتگان به اطراف بلاد چین آویختند و خلق را از این واقعه آگاه ساختند. چهار سال بعد در سال ۱۰۱۲ میلادی خاقان مدعی دیدن رویایی دیگر شد. در آن رویا به خاقان گفته شده بود که آن طومار آسمانی است و خدایان علوی آن را برای خاقان فرستاده‌اند. نگارنده اصلی نامه هم یکی از خدایان به نام یو هوانگ بوده است. مردم هم از این که خاقان مورد عنایت آسمان هاست، خشنود شدند و سرانجام، وی آبروی از دست رفته خود را بازیافت و دوباره مورد توجه مردم قرار گرفت.<sup>۵۰</sup>

از آن پس برای جلب قلوب مردم و رقابت بیشتر با بودیسم ابداعات دیگری در دین تائو به وجود آمد. برای مثال، بهشت را نقطه‌ای در جزایر سان هین شیان که مکانی مجهول در دریای شرق بین چین و ژاپن بود، دانستند. دوزخ هم مکان انواع شکنجه‌های دردناک و عذاب‌های الیم بود و در آن جا هزاران غول هولناک و روح موذی وجود داشت. کشیشان تائوئیست، انواع ارواح و الهه‌ها را ایجاد کردند و هشت روان جاویدی به علاوه خدای کانون خانودگی و محافظ دروازه و خدای شهر را ابداع کردند که همگی بر عالم حکومت می‌کنند.

آن هشت روان جاوید، اختراع فکر چینی خالصند. عوام برآنند که آنها در کوهستان‌های مرتفع و جزایر متبرک سه گانه خانه دارند. ایشان نخست آدمیانی بوده‌اند که زهد و ریاضت درپیش گرفتند و در اثر عبادات و عمل صالح مرتبه و منزلت ابدی به دست آوردند و اکنون با همان پیکر قدیم خود با روحی شاداب در زیر درخت کاج زندگی می‌کنند. یکی دیگر از ارواح ابدی، الهه مقدس هوشین‌کو می‌باشد. وی دوشیزه‌ای است که در آغاز در خانه مرد دکان‌داری متولد شد و ریاضت پیشه کرد. غذای او از صدف و شرابش اشعه مهتاب بود. او سوار بر ابرها است و شاخه گل نیلوفر یا دانه شفتالویی در دست دارد. در نتیجه ریاضت، او نیز به ابدیت و عمر جاوید دست یافته است. دیگری، خدای کانون خانواده به نام تسائوشن حافظ و نگبان خانواده است و در سراسر چین مورد احترام همگان و حتی

10. Hsuan Hsueh.
11. Shih-Shuo Hsin yu.
۱۲. تاریخ فلسفه در چین، ص ۱۹.
۱۳. همان، صص ۱۶-۲۰.
14. Warring states.
15. Ch'in.
۱۶. تاریخ فلسفه در چین، صص ۸۱-۸۳.
۱۷. جاثو یکی از سه بخش امیر نشین زین بود که تجزیه آن از نشانه‌های اولیه آغاز شدن عصر دولت‌های جنگنده بود.
۱۸. تاریخ فلسفه چین، ص ۱۵۲.
۱۹. همان، ص ۱۵۳.
۲۰. همان، ص ۱۵۹.
۲۱. برای پرهیز از تکرار آراء لاتوتزو و رساله وی به نام تائو ته
- چینگ نگاه کنید به همین شماره، مقاله تائو ته چینگ (تائو و خواص آن)
۲۲. به سیتیم وید چوانگ زی به سیستم پین بین چوانگ تزو.
23. Chuang Chou.
24. Meng
۲۵. تاریخ فلسفه در چین، ص ۱۴۰.
۲۶. تاریخ فلسفه چین، ص ۱۳۲.
۲۷. صوفیسم و تائوئیسم، ص ۳۰۸.
۲۸. تاریخ فلسفه در چین، بخش چوانگ تسه، ص ۱۴۰.
۲۹. کوشیانگ هم تلفظ میشود، وی از علمای قرن چهارم بعد از میلاد بود.
۳۰. چوانگ دزو، ص ۱۶.
۳۱. صوفیسم و تائوئیسم، ص ۳۱۱.
۳۲. تاریخ فلسفه در چین، ص ۱۴۱.
۳۳. چوانگ دزو، ص ۱۵.
۳۴. همان، ص ۱۵.
۳۵. تاریخ فلسفه در چین، صص ۱۵۴-۱۵۵.
۳۶. تاریخ جامع ادیان، صص ۳۵۷-۳۵۹.
۳۷. تاریخ فلسفه چین، صص ۱۴۱-۱۴۲.
۳۸. همان، ص ۱۴۰.
۳۹. همان، ص ۱۲۰.
۴۰. همان، ص ۱۴۷.
۴۱. تاریخ جامع ادیان، ص ۳۵۹.
۴۲. همان، صص ۳۵۹-۳۶۲.
۴۳. همان، ص ۳۶۰.
۴۴. همان، ص ۱۶۰.
۴۵. همان، صص ۳۶۲-۳۶۶.
۴۶. تاریخ فلسفه چین، ص ۱۸.
۴۷. تاریخ فلسفه در چین، ص ۶.
۴۸. تاریخ جامع ادیان، ص ۳۶۲.
۴۹. همان، ص ۳۶۳.
۵۰. همان، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.
۵۱. همان، صص ۳۶۵ و ۳۶۶ با اندکی تغییر.

فرقه‌های غیر تائوئیست می‌باشد. تمام اطعمه و اشربه در تحت برکات او قرار دارد. او در دودکش آشپزخانه جای دارد و از آن جا ناظر اعمال افراد خانواده است. در زمانی که اطفال مرتکب شرارت می‌شوند، آنها را از این خدا بیم می‌دهند و تصویر او را به روی کاغذ می‌کشند و در بیست و چهارم ماه دوازدهم هر سال مقداری غذا و پول در زیر دودکش آشپزخانه می‌ریزند تا شعله آن صعود کند و خدای کانون بر آن نشست و به آسمان رود و گزارش نیکو از کردار و رفتار آن خانواده به خدایان علوی بدهد. اما، خدایان محافظ دروازه‌ها دو نفرند که در نوروز هر سال مورد احترام و تقدیس واقع می‌شوند، تصویر ایشان را در جامه سپاهیان با شمشیر و نیزه به روی کاغذ رسم می‌کنند و بر هر لنگه دروازه خانه یکی را می‌آویزند تا این که از اثر نیروی آنها در سال جدید ارواح خبیث ضرر و زبانی را به خانه وارد نسازند.<sup>۵۱</sup>

بیش از این سخن گفتن درباره خدایان و ارواح مقدس در دین تائوئیسم جایز نیست، زیرا، تعداد آنها بی شمار است و به طور تقریبی هر صنفی برای خود تعدادی خدای مخصوص با مقامات مختلف دارد.

در نهایت، تائوئیسم به عنوان یک دین، اکنون سالهاست که در کشور چین رو به زوال نهاده و مذهبی مرده تلقی می‌شود.

### منابع و مأخذ

۱. ایزوتسو، توشیهیکو، صوفیسم و تائوئیسم، ۱۳۸۵، ترجمه محمد جواد گوهری، چاپ سوم، تهران، نشر روزنه
۲. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ۱۳۸۱، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
۳. جی، چو، تاریخ فلسفه چین، ۱۳۸۶، ترجمه ع پاشایی، چاپ اول، تهران، نگاه معاصر.
۴. یولان، فونگ، تاریخ فلسفه در چین، ۱۳۸۰، ترجمه فرید جواهر کلام، چاپ اول، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز

5. Chan.Wing-tsit. *Religious Trends in Modern china*. colombia university press.1953

### پی‌نوشت‌ها

۱. کارشناس ارشد فلسفه محض دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

2. Confucion Analects.
3. Book of Mencius.
4. Great Leavning.
5. Doctrine of the Mean.
6. Neo –Confucianist.
7. Chan.Wing-tsit. *Religious Trends in Modern china*. colombia university press.1953.
8. Mencius.

۹. تاریخ فلسفه در چین، ص ۳.